

بسم الله الرحمن الرحيم

ماهی آزاد

مجموعه اشعار هوشنگ وصال

www.ketab.ir

تقدیم به همسرم دکتر بهجت شیبانی
که مرهون راهنمایی‌هایش هستم



ماهی آزاد

شاعر: هوشنگ وصال

امور فنی: ثریا امامی

طراح جلد: هدی حدادی

چاپ دوم: ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۰

لیتوگرافی: گرافیک گستر

چاپ: بیگی

تألیف: علم و فن

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۴۳-۴۱-۵

نشانی دفتر: خیابان انقلاب ابتدای فخر رازی بین نیک پور پلاک ۷

تلفن: ۶۴۱۰۰۳۶ - ۶۹۵۲۲۰۰ - نمابر: ۶۹۵۲۱۹۹

وصال. هوشنگ ۱۳۰۲ -

ماهی آزاد/ مجموعه اشعار هوشنگ وصال - تهران: نشر مهاجر، ۱۳۸۱.

۱۳۶ ص.

ISBN: 964-5943-41-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. شعر فارسی -- قرن ۱۴. الف. عنوان.

۸فا۱/۶۲

PIR ۸۲۹۸/ص ۲۳م ۲

م ۶۳۹و

۱۳۸۱

۱۳۸۱

۸۱-۲۶۰۲ م

کتابنامه ملی ایران

فهرست

۴۳	قطار الف	۵	مقدمه
۴۴	ستپ ماستر	۷	بخش اول
۴۵	رقاصه	۸	کرمان
۴۷	اسارت بشری	۹	ساقیا
۵۲	باغی بزرگ	۱۰	من و پروانه
۵۶	کوزه سفالین	۱۱	دخترک باده فروش،
۵۷	خلاصی از درد	۱۱	پرده چرک قلمکار، بیا اینجا
		۱۲	دخترک اسپانیولی
	بخش دوم - برگردانها ترجمه ها	۱۳	حرمان
۵۹	و اقتباسها	۱۴	دوست ندارم مگر نگاه ترا
۶۰	خطاب بزنی	۱۵	کردستان
۶۲	هوای آفتابی	۱۶	خطاب به مادر
۶۳	مگر توانی	۱۷	ماهی آزاد
۶۵	گودک	۲۰	سوادى دل
۶۶	شب دریا	۲۱	گرباچف
۶۸	گلدان ترک خورده	۲۲	خانه ای چون بهشت
۶۹	بهشت کوچک من	۲۳	گفتگوی گریه با خار
۷۲	پارک یخ بسته	۲۴	از ایران تا فلسطین
۷۳	برگ خزان	۲۵	گفتگوئی با دل
۷۵	فنبجان چای من نیست	۲۶	آوارگان کرد
۷۶	بکن جستجو بهر دل	۲۸	پل شیر نشان
۷۷	دره ای پر شاخ و برگ	۳۰	فاضل تونی
۸۰	دریاچه	۳۲	نادی الصید
۸۳	طاعون	۳۵	الدقی و الزلزال
۸۵	پینه دوز	۳۶	سفر مصر
۸۶	وقتی که دهقان بی امان	۴۰	قاهره - ونکوور
۸۷	در ویلیکیه	۴۱	ای چهارده ساله

ماهی پرنده	۸۹	حوله تا شده، یادم رود آنچه می نویسم	۱۰۹
نهر و	۹۰	السموال	۱۱۰
ای آفریدگار	۹۱	شمسی	۱۱۱

بخش سوم - اشعار طنز یا کوتاه	۹۳	بخش چهارم - خانوادگی، نوروها،	
راز بربج	۹۴	تولدها	۱۱۳
کابین مانینگ پارک	۹۶	گزیده هایی از نظریه اعداد	۱۱۴
درد پیری	۹۷	نوروز ۱۳۷۰	۱۱۵
بهگت	۹۸	نوروز ۱۳۷۲	۱۱۶
گریه درویش	۱۰۰	نوروز ۱۳۷۳	۱۱۸
گنجه	۱۰۱	نوروز ۱۳۷۵	۱۲۰
کوسه ویتزکی، به زنبور مانده	۱۰۲	نوروز ۱۳۷۶	۱۲۱
امتحان طب، چشم چیم،	۱۰۱	سن زرین	۱۲۲
دوستش دارم چو... تا دهر از بلندیت،	۱۰۲	بشالله دم در نیاری	۱۲۳
سلمان سمونی خورد، سقراط به سلمان،	۱۰۳		
این گریه رسید چون به تهران	۱۰۳	بخش پنجم - رفتگان	۱۲۵
رفتی چو به کوچه ستاره،	۱۰۳	افسانه	۱۲۶
موش بر گریه چو خندد	۱۰۴	زنده یاد محمود فروغی	۱۲۸
دختری با ملاح و طناز، باید سفری	۱۰۴	دکتر فریدون نجم آبادی	۱۲۹
رفت، چکید قطره باران،	۱۰۵	زنده یاد فرشی	۱۳۰
ثلث نویسان	۱۰۵	سالگرد فرشی	۱۳۱
گلایه کال، چیست دشوارتر...،	۱۰۵	زنده یاد یهودا کهنیم	۱۳۲
داد بر من برسگال اهریمنی،	۱۰۶	درگذشت حمیده	۱۳۳
بگو به آنکه چروکی	۱۰۶	تقدیم به...	۱۳۴
دوش بردم بهر یار خود گلی،	۱۰۶	زنده یاد مهندس احمد فرهی	۱۳۵
ستم پیشه ای،	۱۰۶	درگذشت کاظم	۱۳۶
ز لقمان رسیده است این داستان	۱۰۷		
اندکی سر در گمم	۱۰۸		

بنام خداوند جان و خرد

مقدمه

در بهمن ماه ۱۳۴۰ شمسی نوشته‌های خود را که شامل نثر و نظم بود تحت عنوان «نقشهای دربدری» به چاپ رساندم.

در این مجموعه اشعاری که بعد از آن تاریخ گفته‌ام مندرج است و بیشتر اشعار نقشهای در بدری را نیز آورده‌ام. سعی شده است که شعرها تا حد امکان بر حسب تاریخ درج شود. ابتدا اشعاری را ملاحظه کنید که ترجمه یا اقتباس نیست. در «اسارت بشری» مطلبی آمده که سامرست موهام در کتاب المصنوع مطرح ساخته است اما شعر جنبه ترجمه یا اقتباس ندارد.

سپس اشعاری آمده که ترجمه یا اقتباس است. در ترجمه‌ها نهایت سعی بکار رفته که کلمات یک به یک ترجمه نشده باشد و در حقیقت فکر و نیت منصرف به فارسی آمده باشد. بعد اشعاری آمده که اغلب جنبه طنز دارد یا کوتاه است. در آخر اشعاری آمده که خانوادگی است و به مناسبت فرارسیدن نوروز، تولدها یا درگذشت‌ها گفته شده.

همانطور که در مقدمه نقشهای دربدری نیز آمده در اشعار تخلص «نعمت» یا «اتیوان» بکار رفته است و علت این دو انتخاب به شرح زیر است:

نعمت تخلص میرزا محمودخان فسانی است که در سال ۱۲۷۱ قمری (۱۲۳۳ شمسی) متولد شده است. در خانواده ما خیلی از میرزای نعمت صحبت می‌شد و از خردسالی می‌دانستم که آن رادمرد خداوند صفا و وفا و با پدرم دوستی یک رنگ و ثابت قدم بوده است. شرح حال او در فارسنامه ناصری آمده است. اخیراً استاد ارجمند آقای دکتر طاووسی تذکره شعاعیه را تصحیح و تکمیل فرموده‌اند که در سال ۱۳۸۰ شمسی به چاپ رسیده است. در صفحه ۵۱۶ این کتاب آمده که «دیوان نعمت فسانی» از سوی انتشارات دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۹ منتشر شده است.

گرچه شخصاً خاطره‌ای از او ندارم اما از بابت یکرنگیش و لطفی که به خانواده ما داشته

گاهی در اشعار تخلص او را بکار برده‌ام تا یادی از او کرده باشم.
اما اتیوان را از آن جهت بکار برده‌ام که دائمی راننده‌ای داشت به نام انوشیروان و من در
کودکی نمی‌توانستم نام او را درست تلفظ کنم و اتیوان (Ativan) صدایش می‌کردم.

چنین یاد دارم که در کودکی	زبان باز کردم چو من اندکی
پدر رفتم از دست و دائی ز مهر	رهانیدم از رنج و قهر سپهر
مرا داد در خانه خویش جای	ندارد غم مال مردِ خدای
ورا پادشه چون بخدمت گماشت	انوشیروان نام راننده داشت
همیرفت در طفلیم بر زبان	اتیوان بجای انوشیروان
به شعرم آوردم چون اتیوان بکار	کنم یاد از گردش روزگار

ممکن است برای جوانان این سؤال پیش بیاید که مگر هر کس به حافظ ارادت
داشته باشد می‌تواند تخلص خود را حافظ بگذارد که تو تخلص دوست پدرت «نعمت»
را انتخاب کرده‌ای؟ گمان نمی‌کنم جوابهایی که برای این سؤال دارم همه را قانع کند بهتر
است از این بحث بگذریم؛ تمنی دارم پوزشم را از این بابت بپذیرید.

اکثر اشعار این منظومه در ونکوور گفته شده و بیشتر دوستانم در آن شهر، منجمله بانوی
معزز ب. یمینی و سروران دکتر اسمعیل آزمون و دکتر هوشنگ مهتدی، مشوق حقیر در
سرودن و طبع آنها بوده‌اند.

این دوستان را جملگی سپاسگزارم

هوشنگ وصال

بهمن ماه ۱۳۸۰، ژانویه ۲۰۰۲